

نینوای حسینی در نوای پارسی‌سرایان نامدار

شاعران ایرانی با هر مرام و مسلکی زبان به مدح خاندان پیامبر، بخصوص امام حسین(ع) گشوده‌اند ...



شاعران ایرانی با هر مرام و مسلکی زبان به مدح خاندان پیامبر، بخصوص امام حسین(ع) گشوده‌اند
نینوای حسینی در نوای پارسی‌سرایان نامدار

جام جم آنلاین: در سروده‌های بسیاری از نامدارترین شاعران ایران‌زمین مهر و هواخواهی امام حسین (ع) آشکار و نمایان است.

از آن روزگاران دور که ایرانیان نخستین گام‌ها در جهت بیان اندیشه و سرایش سخن به زبان پارسی را برداشتند، دین و موضوعات مرتبط با آن جایگاهی ویژه در ادب پارسی داشته است.

البته، منظوم ساختن کلام از سوی ایرانیان خوش‌قریحه شاید ریشه در عرق ملی و عشق به زبان مادری داشته باشد، اما این نکته بر دوستداران ادب پارسی پوشیده نیست که شعر پارسی در بن‌مایه و پیکر خود بی‌گمان وامدار اندیشه‌های دینی و عرفانی است. آنچه روشن است، حضور تاریخی شاعران و عارفان نام‌آوری چون مولوی، حافظ، عطار، ابوسعید ابوالخیر، شاه نعمت‌الله ولی، ابوالحسن خرقانی، سنایی غزنوی و بسیاری دیگر بر درستی گفتار فوق گواه است.

آنچه هویدا می‌نماید، عطف توجه به امام حسین (ع) و رخداد غمبار کربلا، از جمله مضامین دینی و مذهبی است که در سروده‌های بسیاری از این پرآوازان عرصه ادب پارسی به زیبایی جلوه می‌کند. با اطمینان می‌توان اذعان داشت، واکاوی و کنکاش در آثار پارسی‌سرایان نامدار نمایانگر آن است که در ژرفای اندیشه و عمق گفته‌های بیشتر اینان، فارغ از هرگونه دسته‌بندی مذهبی، مهر و هواخواهی امام حسین (ع) کاملاً نمایان است. برخی از مشهورترین شاعرانی که شیفته حسین (ع) و شیدای مرامش بودند را به شرح زیر می‌توان نام برد:

ناصرخسرو: ابومعین ناصرخسرو قبادیانی بلخی، حکیم و اندیشمند برجسته سده پنجم هجری که قاتلان حسین (ع) را شایسته واژگانی زشت و سخیف برمی‌شمرد، به کرات به جریان عاشورا پرداخته است. ابیات زیر نمونه‌ای از سروده‌های اوست:

من که ز خون حسین پر غم و دردم / شاد چگونه کنند خون رزانم / از تو بدین کارها بماندم شاید / گرچه نشاید همی کز تو بمانم

سنایی غزنوی: ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی که در سده ششم هجری می‌زیست و او را می‌توان کاروان‌سالار شعر آیینی در زبان پارسی برشمرد، از دیگر سخن‌سرایان نامی ایران‌زمین است که دلبستگی افزون به خاندان پیامبر و بویژه حسین بن علی (ع) دارد. سنایی، امام حسین (ع) را الگو می‌دانست و منش و روش ایشان را شایسته تقلید. به باور وی، آن کس که برآستی رهرو راه حق است باید مانند حسین (ع) آماده فدا و فنا ساختن خود بهر حق باشد. او همچنین مطالعه ماجرای کربلا را برای سالکان و رهروان حقیقت بایسته می‌پنداشت. ابیات زیر از جمله اشعار او درباره امام حسین و واقعه عاشورا است.

تا ز سر شادی برون ننهند مردان صفا / پای نتوانند بردن بر بساط مصطفی / خرمی چون باشد اندر کوی دین کز بهر ملک / خون روان کردند از حلق حسین در کربلا / از برای یک بلی کاندرازل گفته‌ست جان / تا ابد اندر دهد مرد بلی تن در بلا

عطار: جایگاهی که امام حسین (ع) از منظر شیخ فریدالدین عطار نیشابوری دارد، (عارف مشهوری که در قرن هفتم هجری در شهر نیشابور گرفتار یورشگران چشم‌تنگ و نابخرد مغول شد و جان باخت)، بس والا و ستوده است. در آموزه‌های عرفانی او، شهادت امام حسین (ع) بلندا و اوج عرفان عملی به شمار می‌آید. وی به مریدان خویش سفارش می‌نمود که چونان حسین (ع) نفس خویش را فدا سازند و با فنای خود به وصل خدا رسند.

مانند حسین بر سر دار / در کشتن و سوختن حسن باش / انگشت‌زن فنای خود شو / و انگشت‌نمای مرد و زن باش

ابیات زیر نمونه‌ای دیگر از اشعار او درباره امام حسین(ع) است:

کیست حق را و پیمبر را ولی / آن حسن سیرت حسین بن علی / آفتاب آسمان معرفت / آن محمدصورت و حیدرصفت / نه فلك را تا ابد مخدوم بود / زآن‌که او سلطان‌ده معصوم بود / گیسوی او تا به خون آلوده شد / خون گردون از شفق پالوده شد

كمال‌الدین اسماعیل اصفهانی: این شاعر شهیر سده هفتم هجری که اندک‌زمانی پس از عطار و در پی حمله مغولان به اصفهان در زیر شکنجه اژدهاوش ددان مردمخوار جان سپرد نیز دلسپرده مهر حسین (ع) است. از اشعار او در این باره می‌توان به ابیات زیر اشاره کرد:

چون محرم رسید و عاشورا/ خنده بر لب حرام باید کرد/ وز پی ماتم حسین علی/ گریه از ابر وام باید کرد/ لعنت دشمنانش باید گفت/ دوستداری تمام باید کرد/ اگر کسی پسری را از آن تو بکشد/ به عمر خویش ره لعنتش رها نکنی/ اگر کشنده فرزند مصطفی‌ست یزید/ حدیث لعنت و نفرین او چرا نکنی/ تو بر کشنده فرزند خود مکن لعنت/ چو بر کشنده فرزند مصطفی نکنی

سعدی: شیخ اجل، مصلح‌الدین سعدی شیرازی که نام نامی‌اش در تاریخ فرهنگ ایران و جهان تا به ابد جاودانه خواهد ماند، نیز دلداره حسین بن علی(ع) است. سعدی در مجموعه اشعار خود و همچنین در کتاب گلستان این علاقه را آشکارا بیان کرده است. سوگند دادن خداوند به خون شهدای کربلا نشانی روشن است از اوج و شدت دلدادگی سعدی.

یارب به نسل طاهر اولاد فاطمه/ یارب به خون پاک شهیدان کربلا / دل‌های خسته را به کرم مرهمی فرست/ ای نام اعظمت در گنجینه شفا

سیف فرغانی: سیف‌الدین فرغانی شاعر و چکامه‌سرای روزگار ایلخانی نیز با وجود آن که بر مذهب اهل تسنن بود، در زمره سخنورانی است که در رثای شهیدان کربلا شعر گفته و مردمان را به برپایی داشتن مراسم تعزیت عاشورا دعوت نموده است. شایسته یادکرد است، سیف فرغانی در مجموعه اشعار خویش گریه برای امام حسین را موجب نزول رحمت و شستشوی غبار کدورت از دل برشمرده است.

ای قوم درین عزا بگریید/ برکشته کربلا بگریید/ با این دل مرده خنده تا چند/ امروز درین عزا بگریید/ فرزند رسول را بکشتند/ از بهر خدای را بگریید/ از خون جگر سرشک سازید/ بهر دل مصطفی بگریید/ و ز معدن دل به اشک چون در/ بر گوهر مرتضی بگریید/ اشک از پی چیست تا بریزید/ چشم از پی چیست تا بگریید/ در گریه به صد زبان بنالید/ در پرده به صد نوا بنالید/ تا شسته شود کدورت از دل/ یک دم ز سر صفا بگریید/ نسیان گنه صواب نبود/ کردید بسی خطا بگریید/ وز بهر نزول غیث رحمت/ چون ابرگه دعا بگریید

مولوی: سیمای امام حسین و واقعه جانسوز عاشورا در تفکر مولانا جلال‌الدین محد بلخی که از اعظم شاعران پارسی‌سرا و از نام‌آورترین عارفان ایران زمین در گستره‌ای زمانی به وسعت تمام تاریخ است، نیز فراز و رفعتی خیال‌انگیز دارد. مولوی که به تعبیر درست استاد جلال‌الدین همایی، اندیشه‌اش را می‌توان با اساس و پاره عام تشیع تطبیق داد، از امام حسین (ع) به عنوان انسان کامل یاد نموده و مانند سنایی و عطار، منش ایشان را شایسته تقلید خوانده است. بیت زیر از جمله اشعار او در این باره است.

هر که آتش من دارد او خرقة ز من دارد/ زخمی چو حسین‌ستش جامی چو حسن دارد

جامی: نورالدین عبدالرحمن جامی عارف و شاعر مشهور قرن نهم هجری نیز با وجود آن‌که بر مذهب اهل تسنن بود و پیر طریقت نقشبندی به شمار می‌آمد، سخن در ستایش خاندان پیامبر و از جمله حسین بن علی (ع) فراوان منظوم داشته است و حتی زیارت کربلا را برای سرمستان عشق الهی واجب برشمرده است:

کردم ز دیده پای سوي مرقد حسین/ هست این سفر به مذهب عشاق فرض عین

نوایی: امیرعلیشیر نوایی (فانی)، سیاستمدار اندیشمند روزگار تیموری، به‌رغم آن‌که در میان مورخان در باب مذهب او اختلاف است، از جمله بزرگانی است که به خاندان والاتبار پیامبر و بویژه امام حسین (ع) ارادت می‌ورزیده است. او که کتاب نثراللطائف، مجموعه‌ای از احادیث منتسب به امام علی(ع) گردآوری شده توسط عالم مشهور شیعه - شیخ طبرسی، را نیز به ترکی منظوم ترجمه نموده بود، اشعار کاملاً مستقلاً در این باره ندارد، اما از جای جای آثار او حسن عقیده‌اش را می‌توان دریافت. به عنوان نمونه، وی برای قانع نمودن 2 نفر که مخالف لعن یزید و قاتلان حضرت سیدالشهدا بودند دوبیتی زیر را سروده است:

ای که گفتی بر یزید و آل او لعنت مکن/ زآن‌که شاید کرده باشد حق تعالی رحمتش/ آنچه با آل نبی او کرد اگر بخشد خدای/ هم ببخشاید تو را گر کرده باشی لعنتش

صائب تبریزی: میرزا محمدعلی صائب‌تبریزی که در سده یازدهم هجری می‌زیست نیز دیگر پارسی‌سرایي است که در سروده‌های خود مه‌رافزون خویش به حسین‌بن‌علی(ع) را نمایان ساخته است. چه در آن هنگام که خاک کربلا را سجده‌گاه عرش خوانده:

چون خاك كربلا نشود سجده‌گاه عرش / خون حسين ريخت بر آن خاك مشكبار

و چه در آن زمان كه خاك آستان حسين (ع) را شفای دردمندان نامیده است:

مظهر انوار رباني حسين بن علي / آن كه خاك آستانش دردمندان را شفاست

به این سیاهه بلند، فراوان نام‌های دیگری را چون کسایي مروي، ادیب ترمذي، رشید وطواط، مسعود سعد سلمان، سلمان ساوجي، خواجوي کرمانی، ابن‌یمین فریومدي، وحشی بافقي، محتشم کاشانی، وصال شیرازی و.... را می‌توان افزود. شوربختانه این مختصر را مجالی برای یادکرد نام تمامی این نامداران فراهم نیست چرا که این مهم خود مثنوی 70 من کاغذی را می‌طلبد. تنها به منزله پایان سخن، عاری از زیب نیست اگر گفته آید امروزه شماری از پژوهشگران اذعان می‌نمایند که لسان‌الغیب شیراز، حافظ، نیز اشاره‌هایی به شهادت امام حسین (ع) و واقعه عاشورا داشته است و از جمله در ابیات زیر:

رندان تشنه لب را آبی نمی‌دهد کس / گویی ولی‌شناسان رفتند از این ولایت / در زلف چون کمندش ای دل میبج کانجا / سرها بریده
بینی بی‌جرم و بی‌جنایت

امیر نعمتی‌لیمایی / جام‌جم